



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۶/۰۸/۱۶



حمید انوری

مورچه که مرگش فرا میرسد، بال می کشد



عبدالله عبدالله دوباره به حلقه تنگ تنظیمی خود بر میگردد!!!

بعد از آنکه دکتر عبدالله انتقادات شدید را به آدرس اشرف غنی فرستاد، زود متوجه شد که راه ارگ را بر روی خود بسته است، راه پیشرفت مسدود است و اکثر پل های تنظیمی را هم از عقب خود ویران کرده است و خود در یک موج تند در حال غرق شدن قرار دارد؛ با عجله به یک مشت افراد تنظیمی خود رو آورد و دوباره برگشت به نقطه آغاز. او در اولین اقدام، عطا محمد نور حاکم خود مختار مزار را به کابل فرا خواند و بعد دست به دامن تورن اسمعیل و عبدالرسول سیاف برد.

او از تمام رفقای تنظیمی خود فقط همین یک مشت افراد استفاده جو و ابن الوقت را توانست گرد آورد که در عکس های بالا دیده می شوند. البته جهت یک بینی خمیری یونس قانونی و صلاح الدین ربانی را نیز نادیده نگرفت.

هرچند عبدالله عبدالله هیچگاه موفق به بریدن از حلقه تنظیمی جمعیت- شورای نظار نگردید، اما چار ناچار دو معاون خود را از حزب وحدت اسلامی و حزب اسلامی گلبین انتخاب کرد تا هم لعل به دست آید و هم یار نرنجد، ورنه این هردو معاون فقط یک رول سمبولیک و نمایشی دارند و دگر هیچ.

کابل (پژواک، ۲۴ اسد ۹۵): ... روابط ارگ و ریاست جمهوری، سه روز قبل بعد از آن متشنج شد که دکتر عبدالله عبدالله رییس اجرایی حکومت وحدت ملی در یک نشست، بر رئیس جمهور انتقاد نمود که برای ملاقات با وی وقت نمی دهد.

این اظهارات ما را به یاد حامد کرزی می اندازد که طی یک مصاحبه خود اظهار داشته بود که "اوباما" برای من وقت ندارد و مدت طولانی است که با او موفق به صحبت تلفونی نگردیده است، درحالیکه با "جورج بوش" هفته یکبار تلفونی صحبت می کرده است و....

موصوف همچنان بر برخی مقرری های رییس جمهور انتقاد نمود و گفت که در این مورد، با وی مشوره نشده است.

ارگ نیز بعد از انتقادهای رییس اجرایی، این اظهارات رییس اجرایی را با نشر یک خبرنامه، غیرمسوولانه و خلاف اصول حکومتداری خوانده است.

اما یک منبع نزدیک به حکومت وحدت ملی، امروز (۲۴ اسد) به آژانس خبری پژواک گفت که علت اصلی عدم رضایت عبدالله، برکناری احتمالی عطاء محمد نور سرپرست ولایت بلخ و برکناری احمد مشاهد داماد استاد ربانی رهبر فقیه جمعیت اسلامی میباشد.

گویا لب و لباب قضیه هم باید همین موضوع باشد که جمعیتی ها زمان مصرف شان دیگر به سر رسیده است، حاکم خودمختار بلخ هم بیشتر از چهارده سال است که با چنگ و دندان به همین چوکی و همین مقام چسبیده است و بارها هم اخطار داده است که هیچ قدرتی را نمی بیند که او را از کار برکنار سازد. احمد مشاهد هم چون داماد برهان الدین ربانی بوده است از روی زد و بند های آنچنانی برایش چوکی و مقام داده بودند، اما اینها هرگز راضی نمی شوند تا در همین حد اکتفا کنند و توقع دارند تا مادام العمر در مقامات بلند باد آورده شان میخ شده باشند و بعد از مرگ شان هم فرزندان شان جای خالی آنان را پر کنند. جای خالی ربانی و فهیم را پسران نا اهل شان پر کردند، پسر تورن اسمعیل هم وزیر ساخته شده بود و پسران نااهل دوستم هم "قهرمان" شدند و "مدال" گرفتند و پسر نااهل گلبدین هم در راه است. پسران محقق و خلیلی هم در سفارت خانه های افغانستان در خارج از کشور مشغول خوشگذرانی اند و همینگونه تا به آخر...

احمد مشاهد، حدود ۱۴ سال رییس اصلاحات اداری بود؛ اما هفته گذشته از سوی رییس جمهور به حیث مشاور تعیین شد و نادر نادری را به حیث رییس جدید این اداره معرفی کرد.

این منبع افزود که نقطه دیگر اختلافات داکتر عبدالله، تغییرات وسیع در ترکیب لوی څارنوالی خوانده شده است.

روابط ارگ و ریاست اجرائیه، امروز بعد از آن یکبار دیگر خرابتر شد که رییس جمهور غنی در مراسم گشایش پارلمان جوانان، به شکل غیرمستقیم بر عبدالله انتقاد نمود.

رییس جمهور بر وحدت ملی تاکید کرد؛ اما تصریح نمود که خودسری در افغانستان کار نمی دهد و وقت ((میم زر ما، توله زما)) گذشته است.

این سخن رئیس جمهور که "میم زر ما، توله زما"، درست به هدف اصابت کرده است و سخت هم بجا مورد استفاده قرار گرفته است. در حقیقت میتوان گفت که این سخنان اشرف غنی به منزله پاشیدن نمک بالای زخم های عبدالله عبدالله بوده است و در همین یک مورد با اظهارات جناب رئیس جمهور کاملاً موافقم و یک حقیقت تلخ است که عبدالله عبدالله باید چون جام زهر آنرا سر بکشد.

منبع افزود که داکتر عبدالله نیز از اظهارات امروزی رییس جمهور، شدیداً ناراحت شده است.

از سوی دیگر، یک منبع نزدیک به ریاست جمهوری به پژواک گفت که عبدالله از دیروز بدینسو، مشوره ها و نشست هایی را با رهبران گروه خود انجام داده و صبح امروز با استاد سیاف رییس شورای حراست و ثبات نیز در پغمان ملاقات کرده است.

حال عبدالله عبدالله خود را به هر در و دیوار میزند و هر دری را می کوبد، او آسیمه سر شده است و کاخ آرزو های آنچنانی اش آهسته آهسته فرو می غلطند. او حالت مورچه را دارد که در حال بال کشیدن است. منبع علاوه کرد که قرار است رییس اجرایی، موقف خود را طی یک نشست بزرگ پنجد نفری اعلام و قطعنامه آن را به دسترس رسانه ها قرار دهد.

در حالیکه رئیس اجراییه به مشکل قادر است تا پنجد نفر را گردهم آورد، خوب خواهد بود تا در نشست متذکره استعفاى خود را پیشکش کند، اما ما را عجب آید که چنین شهادتی داشته باشد.

از جانب دیگر عبدالله عبدالله در اثر مشوره های ممتد و دوامدار شباروزی با حلقه تنگ تنظیمی خود، دست به یک مانور دیگر نیز زده است تا سخنانی را که به آدرس "اشرف غنی" حواله کرده، اندکی وزن داده و شهادی برای گفتارش داشته باشد. داکتر عبدالله جهت انجام چنین مانوری به یک قربانی ضرورت داشت و چه کسی میتواند بهتر از خانمی بنام "منیژه باختری"، دختر "واصف باختری" باشد.

"منیژه باختری" با تمام تعصبات شدید قومی و تعصبات کور زبانی که دارد، یکی از گماشتگان شورای نظار است که مدتی در پوهنتون کابل گویا "استاد" بود و تا توانست تخم تبعیض و تفرقه کاشت، مجبور شدند او را به وزارت خارجه منتقل کنند، تا اینکه او را به عنوان سفیر به کشور ناروی فرستادند و از افغانستان دورش ساختند.

زمانی که "اشرف غنی" اقدام به انتصاب "شکریه بارکزی" بعنوان رئیس کمیسیون اصلاحات انتخاباتی کرد، داکتر عبدالله شدیداً مخالفت نموده و گویا دو پا را در یک موزه کرده و مانع انتصاب وی در پست متذکره گردید؛ اشرف غنی که چاره را حصر دید، اقدام به تقرر شکریه بارکزی در سفارت ناروی کرد تا زهر چشمی به داکتر عبدالله نشان داده باشد. "منیژه باختری" مجبور به مراجعت به کشور گردید و کارک ای در وزارت خارجه برایش دست و پا کردند.

اینک در کشمکش عبدالله – غنی، "منیژه" را قربان کردند و مجبورش ساختند تا یک استعفا نامه بلند بالا به آدرس رئیس جمهور بنویسد و آلا و بلا را بیندازد به کردن "اشرف غنی". از "منیژه باختری" در این میان به نفع داکتر عبدالله به منزله گوسفند قربانی سود بردند.

گفته میشود که دیروز تلاش ها در سطح بلند، به هدف برقراری روابط میان ارگ و ریاست جمهوری آغاز شده؛ اما موفق نشده است.

پژواک تلاش نمود که در این مورد، با سخنگویان ریاست اجراییه و ارگ نیز تماس بگیرد؛ اما تماس با آنها برقرار نشد.

اکنون باید به این اندیشید که در صورت ازهمپاشی "حکومت وحدت ملی"، با درنظرداشت اینکه هرگز چنین وحدتی وجود خارجی نداشته است و حکومت فقط به حساب پنجاه فیصد یا (۵۰ - ۵۰) بوده است، داکتر عبدالله با حلقه کوچک تنظیمی خود و سایه های شوم و خون آلود سیاف و محقق و محمد خان گلبدینی چه گلی به آب خواهد داد؟

و اما یک سوال اساسی میتواند این باشد که آیا یک والی بدون در جریان گذاشتن رئیس جمهور می تواند هر زمان که خواسته باشد به کابل سفر کند و در یک ماه بیست روز در کابل بسر برد و با سفرا و وزرا و وکلا و مقامات خارجی ملاقات کند و...، یا خیر؟

از موقف و موضع وزیر خارجه بهتر است هیچ نگفت؛ چه او فقط به نام وزیر است و باز هم به نام رئیس یک تومور خبیثه ای بنام "جمعیت اسلامی". او حتی قادر نیست وظایف، مکلفیت ها و مسئولیت های خود را به عنوان "وزیر خارجه" تشخیص دهد.

پروانه مُرد، شمع فروخت و شب گذشت ای وای من که قصه دل ناتمام ماند

تا فرصت دیگر

